

## جنبش توده‌ای علیه چپاول امپریالیست‌ها در بولیوی

نیز عطش سیری ناپذیری برای به دست آوردن سود هنگفت از تولید و توزیع منابع انرژی دارند . پس هیچ جای شگفتی نیست که هر منبع انرژی برای امپریالیست‌ها به طور کلی و برای امپریالیسم آمریکا، به عنوان نیازمندترین به آن، دارای بالاترین اهمیت استراتژیک باشد.

صفحه ۷

ذخائر گازی بولیوی بزرگ‌ترین ذخائر آمریکای جنوبی پس از ونزوئلا هستند. ایالات متحده آمریکا از سویی بزرگ‌ترین تولید کننده و از سوی دیگر بزرگ‌ترین مصرف کننده انرژی در جهان است که در صورت ادامه وضعیت فعلی تا پیش از بیست سال دیگر ذخائرش را به پایان می‌رساند. انحصارات آمریکایی و دیگر امپریالیست‌ها

## وضعیت سیاسی خاور میانه و

**پرده دوم نمایش اصلاح طلبی در ایران**

تحولات سیاسی در منطقه خاور میانه ایران را به یکی از کانون‌های عمدۀ توجه سیاسی، تبدیل نموده است. خاور میانه هم اکنون با چنان تشنجات و بحران‌هایی روبروست که در نوع خود بی‌سابقه است.

امپریالیسم آمریکا که اشتغال نظامی عراق را مقدمه‌ای بر سلطه انصاری بر تمام بازارهای منطقه می‌دانست، در چنان مخمصه‌ای گرفتار آمده است که هیچ‌گاه تصورش رانمی‌کرد. روزی نمی‌گذرد که تعدادی از نظامیان آمریکایی و یا عراقیانی که به خدمت آمریکا در آمده‌اند، کشته شوند و یا مراکز آنها با بمب ویران نگردند.

نارضایتی توده‌های زحمتکش مردم عراق روز به روز ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد. آنها اکنون از حداقل امکانات مادی و معیشتی، بهداشتی و آموزشی نیز که در گذشته از آن برخوردار بودند، محروم شده‌اند. زندگی روز مرد شان با تا این‌تی تمام و تمام زیر سریزه سربازان آمریکایی و انگلیسی می‌گذرد. در بخشی از عراق، اسلامگرایان که متحد آمریکا و جمهوری اسلامی هستند، حاکمیت خود را برقرار ساخته و مقررات اسلامی شان را به مرحله اجرا نهاده‌اند. طبیعی است که در چنین شرایطی، مبارزات مردم عراق از جمله در شکل مسلحانه آن وسعت بگیرد و نیروهای اشغالگر هر لحظه خود را در محاصره دشمن ببینند و هر روز با تلفاتی تازه روبرو گردند. حالا دیگر اوضاع بِ مرحله‌ای رسیده است که ادعای رژیم اردن آمریکا درمورد انجام عملیات مسلحانه در عراق توسط القاعده، با تمسخر مردم جهان روبرو می‌شود. اوضاع وخیم تر از آن است

صفحه ۲

## دراین شماره

- خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها
- و بیانیه‌های سازمان
- اخباری از ایران
- اخبار کارگری جهان

## اطلاعیه پایانی نشست نیروها و فعالین کمونیست و چپ

صفحه ۱۰

## بوگزاری اجلاس سوم «نشست مشترک» و تولد «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

که در اوتوت سال ۲۰۰۱ پایه گذاری شد تعیین بیشتری یافت و "اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران" پایه گذاری شد. پایه گذاری "اتحاد انقلابی" تلاشی است برای غلبه بر پراکنده‌گی نیروهای چپ و کمونیست، تاثیرگذاری بر مبارزات طبقه کارگر ایران و کمک به سازمان یابی این طبقه. سازمان‌ها و فعالان متشکل در "اتحاد انقلابی" براین باورند که تمام مسئله این

صفحه ۱۲

اجلاس سوم "نشست مشترک" در اوایل اکتبر امسال برگزار شد . سازمان‌های سیاسی و جمع کثیری از فعالان چپ و کمونیست که "نشست مشترک" را تشکیل می‌دهند، در اجلاس سوم بار دیگر براین مسئله تاکید کرده‌اند که ضروری است براساس نقاط اشتراک و تفاوقات، مبارزه مشترکی را ادامه دهند. در همین راستا با تصویب یک پلتفرم با اکثریت بیش از ۹۰ درصد آراء، تصویب اساسنامه و چند قطعنامه، حرکت مشترکی

## صفحاتی از تاریخ مبارزات مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی (قیام خونین صیادان از لی)

و ساحل دریا ، با استفاده از دیوارهای پیش ساخته بتونی و اعمال محدودیت‌های مذهبی، ضربه سنگینی به اقتصاد این شهر وارد شد که تاکنون نتوانسته است از درد این ضربه، کمر راست کند. ازسوی دیگر شعبن اغلب ساکنین بندر از لی و تقریباً تمام نواحی اطراف آن که تا حاشیه مرداب از لی

صفحه ۸

بندر از لی بنا به موقعیت جغرافیایی خود، از دیرباز تنها بندر تجاری مهم از طریق دریای مازندران به شمار می‌رفته است. موقعیت اقتصادی این شهر، وابسته به صنعت توریسم به ویژه در فصل تابستان ، و پلاز داری بوده است. با روی کار آمدن جمهوری اسلامی و اجرای طرح‌ها و پروژه‌های ارتقایی همچون زنان و مردانه کردن استفاده از آب

صفحه ۱۰

صفحه ۵

صفحه ۴

## اوضاع سیاسی خاور میانه

و

### پرده دوم نمایش اصلاح طلبی در ایوان

داده است، جز انقلاب راه حلی برای این بحران و بحران‌های دیگر جامعه نیست. هم مقاومت‌فزاییندهار ترجاع حاکم دربرابر تحولات وهم شکست برنامه‌اصلاحات سطحی و ناچیز، توده مردم را بیش از پیش متقادع نموده که راهی جز انقلاب نیست. از چند سال پیش این مسئله به دغدغه‌اصلی بورژوازی ایران وجهان تبدیل شده است. آها با تمام امکاناتی که در اختیار داشته اند، کوشیده اند، انقلاب را به تأخیر بیاندازند و چنان‌چه بتوانند مانع از وقوع آن گردند. خاتمی و شعار اصلاحات واستحاله رژیم از درون را علم گردند. در پیشبرد این سیاست، بورژوازی ایران، بورژوازی جهان و تمام قدرت‌های امپریالیست متحدا عمل کردند. اما این سیاست باشکست روپرورد. از همان آغاز هم روشن بود که باشکست روپرورد خواهد شد. چون، اصلاحات ناچیز در نظام سیاسی موجود، مطلقاً نمی‌توانست، تضادهایی را که جامعه ایران با آن‌ها روپرورست، حتاً تخفیف‌دهد. رشد و گسترش مبارزات توده‌ای و اعتلای روز افزون جنبش برای سرنگونی رژیم به وضوح نشان از فرا رسیدن انقلاب دارد.

با قرارگرفتن جناحی ازان‌حصارات امریکایی به رهبری بوش در راس هرم سیاسی و لشکر کشی‌های نظامی امریکا به منطقه خاورمیانه، دولت آمریکا کوشید که ابتکار عمل را در مورد ایران نیز در دست بگیرد. با فشارهای سیاسی و حتاً چنان‌چه لازم آمد نظامی، جمهوری اسلامی را کناربیزند و جناح‌های بورژوازی وابسته به خود، از جمله سلطنت طلبان را در ایران برس کار آورد و با این کار که احتمالاً همراه با برخی اقدامات بورژا- دمکراتیک می‌بود، هم با انقلاب مردم ایران مقابله کرده باشد و هم بازار ایران را از چنگ قدرت‌های اروپایی درآورد. اما در پی شکست‌های دولت آمریکا در عراق و آشکار شدن حتاً ناتوانی‌های نظامی اش، این سیاست عجالتاً از دستور کار سران دولت‌آمریکا خارج گردید. امام عضل بورژوازی ایران و جهان همچنان به جای خود باقی‌ست. با ادامه وضع موجود، انقلاب در پیش است. باید چاره دیگری انجامید. خاتمی مرد، تاکتیک اصلاحاتی که وی مجری آن بود، با شکست روپرور گردید، امام‌تاکتیک مقابله با انقلاب در تاکتیک قهر و سرکوب رژیم یاد رشخ خاتمی و "اصلاحات" وی خلاصه نمی‌شد. بورژوازی تاکتیک‌ها، پروژه‌ها و آلت‌رناتیوهای متعددی برای مقابله با انقلاب اتخاذ خواهد نمود. این تاکتیک‌ها وابسته به سطح معینی که مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران به خود گرفته است، تعیین خواهند شد و گاه‌این تاکتیک‌ها چنان

افغانستان به فروپاشی هرچه بیشتراین کشور و سیه روزی روز افزون تر توده‌های زحمتکش مردم افغانستان انجامیده است.

معضل اسرائیل و فلسطین بیش از هر زمان دیگر حل نایذیر شده است. کشتار بی‌رحمانه و وحشیانه مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل به رهبری شارون، نتیجه ای جز تقویت گروه‌های اسلامگاری فلسطینی و عملیات انتشاری که گاه غیرنظامیان اسرائیلی و حتاً کودکان نیز قربانی آن بوده‌اند، در پی نداشته است. طرح آمریکایی موسوم به نقشه راه، زودتر از آنچه تصویر می‌رفت، با شکست روپرورد شده است. دولت‌شارون برای نجات سیاستهای ورشکسته خود، در تلاش برای برافروختن جنگی دیگر در خاورمیانه است. اما جنگ جدید میان اعراب و اسرائیل دیگر جنگی از نمونه جنگ‌های پیشین خواهد بود که با فرمان شورای امنیت سازمان ملل، آتش‌بس برقرار شود. یک چنین جنگی تمام جهان را با بحران روپرور خواهد ساخت و خاموش کردن شعله آن تنها بدين طریق خواهد بود که تمام قدرت‌های بزرگ جهانی، ارتش هایشان را با تمام ساز و برگ نظامی‌شان در خاورمیانه مستقر سازند. پس تعجب‌آور نیست که حتاً دولت آمریکا به رهبری بوش، که تا همین چند ماه پیش نقشه‌هایی فراتر از شارون برای تمام منطقه خاورمیانه داشت، اکنون برای مهار شارون تلاش کند و با برافروخته شدن یک چنین جنگی مخالف نماید. اوضاع خاورمیانه بیش از آن بحرانیست که بتواند جنگ جدیدی میان اعراب و اسرائیل را تحمل نماید. بحران‌های منطقه خاورمیانه به آن‌چه که تاکنون گفته شد محدود نیست. یکی دیگر از کانون‌های بحران خاور میانه، کشور ایران است.

به رغم این که مجموع بحران‌های منطقه خاور میانه بر اوضاع ایران تاثیر دارد و رژیم جمهوری اسلامی عملاً یک پای قصیه در بحران‌های منطقه خاورمیانه است، اما جامعه ایران بامسائل خاص و بحران مختص خود روپرورست. در اینجا یک بحران سیاسی شکل گرفته است که برخاسته از نیازهای جامعه ایران به انجام یک رشتہ تحولات در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. رژیم جمهوری اسلامی که پاسدار مناسبات کهنه و ارتقای‌گریست، به عنوان سدی دربرابر این تحولات قرار گرفته است. مقاومت این روبنای ارتقای‌ی به یک بحران سیاسی عمیق در جامعه انجامیده است. تجلی این بحران را می‌توان از یک سو در رشد و گسترش مبارزات توده‌ای برای درهم‌شکستن مقاومت این روبنای کهنه و ارتقای‌یست، به عنوان سدی در زمینه امپریالیست‌هادار افغانستان با بحران روپرور است، اسلام گرایان و ملی گرایان به جنگ علیه یکدیگر برخاسته‌اند. ائتلاف شمال علیه کرزای طغیان کرده است. گسل نیروهای تازه نفس ناتو به افغانستان چاره سازنده است. گروه‌های پشتون برای تحکیم موقعیت خود در برابر باندهای دیگر، دست یاری به سوی طالبان دراز کرده اند و هیئتی را برای مذاکره و بند و بست با آنها تشکیل داده اند. سیاست‌های قدرت‌های امپریالیست در

## اوضاع سیاسی خاور میانه و ...

پیچیده خواهند بود که حتمامی توانند افراد و جریانات آگاه را نیزگیج کنند و در خدمت خود قرار دهند.

به همین جایزه صلح که چند روز پیش به شیرین عبادی داده شد، نگاه کنیم. ظاهر قضیه‌این است که کمیته صلح نوبل، جایزه امسال خود را به زنی داده است که از حقوق زنان و کودکان دفاع می‌کند و کالت برخی افراد را که جمهوری اسلامی به خاطر عقایدشان به محکمه کشیده، بر عهده گرفته است.

اما این فقط ظاهر فریبینه مسئله‌ای است که در پشت آن یک سیاست جهانی قرار گرفته است. اصل قضیه از این قرار است که قدرت‌های امپریالیست اروپایی نه فقط با انقلاب مردم ایران بلکه حتا هرآمدامی که منجر به سرنگونی رژیم شود مخالفند. آنها برای این مخالفت خود دلائل روشنی دارند. اولاً- انحصار بازار ایران عدماً در دست انحصار اروپایی است لذا آنها مخالف هرگونه تلاطم سیاسی در ایران هستند که بخواهد ذره ای به این انحصار خدشه وارد آورد. ثانیاً - قدرت‌های امپریالیست اروپایی اصول مخالف متزلزل شدن یا حتا سرنگونی رژیم‌های منطقه‌اند، چرا که آن را بی ثباتی منطقه و ازدست رفتن امنیت برای سرمایه‌ها می‌دانند. مخالفت آنها با سیاست سرنگونی صدام توسط آمریکا نیاز ایین هر دو جنبه بود. اما هم قدرت‌های امپریالیست اروپایی و هم جناح‌های بورژوازی وابسته به آنها در حکمیت و یا در اپوزیسیون این را نیز خوب می‌دانند که دیگر جمهوری اسلامی در شکل و شمایل کنونی و سیاست‌هایی که سالها در ایران پیش برده است، نمی‌تواند دوام آورد. اگر وضع بر همین منوال پیش برود، هم انقلاب رخ خواهد داد و هم سرنگونی جمهوری اسلامی. لذا در طول چند سال گذشته آنها منتهای تلاش خود را کردند تاخته‌ی بتواند با حکم واصلاح در سیستم سیاسی موجود و دادن برخی امتیازات ناجیزیه مردم بر بحران موجود غلبه کند و جمهوری اسلامی را نجات دهد. این سیاست به هر حال با شکست روپرداز شد. شکست این سیاست ایجاب می‌کرد که بورژوازی ایران و جهان با تاکتیک‌ها و چهره‌های جدید تر وارد صحنه شوند. با آشکارشدن ناتوانی‌های آمریکا در عراق، اروپا اکنون در تلاش است که ابتکار عمل را به ویژه در مورد ایران در دست

آزادی و هرگونه دمکراسی است، دین اسلام چیزی به نام برابری اجتماعی و سیاسی زن و مرد را به رسمیت نمی‌شناسد. این یک ساده لوحیست. اگر چنین می‌بود که برندۀ جایزه صلح نوبل نمی‌شد.

کمیته صلح نوبل هم که ناشناخته نیست. هر انسان اندک آگاهی می‌داند که این کمیته یک نهاد بورژوازی است. برمبنای محاسبات بسیار دقیق، جوائز خود را به کسانی می‌دهد که بتوانند یک سیاست بورژوازی را دریک مقطع خاص به مرحله اجرا در آورند و یا در حل آن موثر افتدند. تفاوتی هم نمی‌کند که این شخصیت بر-گزیده یک سیاست مدار بدنام بورژوازی باشد، یا خوش نام. می‌تواند کیسینجر، بگین، سادات، کارترا، پرز، کلرک و دالایی لاما باشد و می‌تواند افراد خوش نام تر آن مثل ماندلا یا عرفات باشد. در هر حال قضیه روش است که این منتخب کمیته صلح نوبل اولاً - یک سیاست مدار بورژوازی است. ثانیاً- در پیشبرد یک سیاست معین بورژوازی در عرصه‌ای که به کمیته صلح نوبل نیز مربوط می‌گردد، موفق است و یا می‌تواند به حل موقوفیت آمیز یک سیاست بورژوازی یاری رساند. در مورد جایزه امسال هم، سیاست بورژوازی پیشاپیش روش بود که این جایزه باید به فردی در ایران اعطای شود که از سیاست‌های بورژوازی جهانی برای انجام به اصلاح اصلاحات در ایران حمایت می‌کند. این فرد در عین حال باید مسلمان هم باشد. کمیته صلح نوبل پس از مدت‌ها وارسی و نظر خواهی از تمام طرف‌های ذینفع، سه نفر را در لیست خود قرار می‌دهد که عبارت بودند از آگاجری، اشکوری و شیرین عبادی، بقیه کسانی که از آنها نام برده شده بود، نظیر پاپ، هاول، لولا و امثال‌هم صرفا سیاهی لشکر بودند. از میان این سه تن شیرین عبادی برگزیده می‌شود که اولاً- خوش نامتر از آن دوی دیگر است و ثانیاً - از امتیاز زن بودن نیز برخوردار است و می‌تواند در امر پیشبرد سیاست بورژوازی در ایران بهتر موثرافتد. والا تفاوتی نمی‌کرد که آغازی مثلاً انتخاب شود یا شیرین عبادی. این امکان هم بود که آغازی انتخاب شود، چون ایشان هم در دفاع از اصلاحات بورژوازی در ایران، حرف‌هایی زده است که خانم عبادی هیچگاه جرات بر زبان راند آن را نداشتند و به خاطره‌هایی سخنرانی بود که به رغم تمام خدماتش به حکومت

بگیرد و حتا آمریکا را به پشتیبانی از سیاست خود وادرد. این مسئله به خوبی در جریان ابتکار عمل قدرت‌های اروپایی برای حل منازعه جمهوری اسلامی و آژانس بین‌المللی امنیتی هسته‌ای نشان داده شد. قدرت‌های اروپایی و جناح‌هایی از بورژوازی ایران اکنون در تلاش‌اند آلترا ناتیوی برای سیاست شکست‌خورده اصلاح طلبی خاتمی ارائه دهند. این نقش رادیگرخاتمی و طرف داران سرشناس وی‌نمی‌توانند بر عهده گیرند. آنها البته در پشت صحنه باقی می‌مانند، اما آرایش سیاسی جلو صحنه باید تغییر کند و کسانی به جلو صحنه رانده شوند که چهره‌هایی زنده نداشته باشند، ظاهرا حرفلها و ادعاهای تازه‌ای داشته باشند و یک قدم از خاتمی فراتر بگذارند. لذا پرده دوم نمایش اصلاح طلبی در ایران اکنون با حضور کمیته صلح نوبل و خانم شیرین عبادی به عنوان برنده‌جایزه آغاز گشته است. صدای سوت و کف زدن حاضرین در این نمایش‌نامه از هر سو به گوش می‌رسد. همه طرفداران "آزادی" "دیگری" "حقوق بشر" "صلح و عدالت" از بوس و شیراک گرفته تا سلطنت طلب، جمهوری خواه، خاتمی چی و چپ‌های لیبرالی امثال راه کارگر، پیام‌های شاد باش رد وبدل می‌کنند و صمیمانه آرزو می‌نمایند که شکست صحنه اول نمایش را بازیگران صحنه دوم جبران کنند و بورژوازی را از خطر یک انقلاب در ایران نجات دهند. در این بازی سیاسی البته به هیچ وجه برای بورژوازی حائز اهمیت نیست که شخص شیرین عبادی بتواند نقشی درجه اول در طول نمایش‌نامه ایفا کند، یا صرفا نقشی گذراشته باشد. این دیگر وابسته بتواند و استعداد خود است. آنچه مهم است نقشی است که در آغاز صحنه به وی واگذار شده است، تا بتواند توجه همگان را به پرده دوم این نمایش‌نامه جلب نماید.

در این میان اما تاسف آور است که برخی از نیروهایی که خود را چپ و رادیکال می‌نامند به جای این‌که به صحنه سیاسی نگاه کنند و ببینند چه اتفاقات سیاسی در حال رخ دادن است و از موضوعی طبقاتی و سوسيایی‌لیستی به نقد آن بپردازنند، تمام نقدشان به این خلاصه شده است که چرا شیرین عبادی در سخنرانی اش گفته است زنی مسلمان است و بین‌اسلام و دیگر اسلامی‌تضادی نمی‌بیند. گویا که وی می‌باشد و می‌گفت و مثلا ادعا می‌کرد که دین افیون توده‌های است، دولت مذهبی دشمن

اهداف خودتابه آخربه مبارزه ادامه خواهند داد.

### \* اعتصاب کارگران پست در انگلستان

روز اول اکتبر بیش از ۲۵ هزار نفر از کارگران پست در سراسر شهرلند دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. با این اعتصاب میلیون‌ها نامه و بسته در ادارت پست شهر تنبایار شد. هم‌زمان با آغاز اعتصاب، کارگران در مقابل ادارات پست تجمع نموده و با پخش اطلاعیه بین عابرین، دلایل این حرکت اعتراضی را به گوش مردم رساندند. خواست کارگران در این اعتصاب، افزایش دستمزدها، بهبود شرایط کار و توقف اخراج‌های گسترده‌است که اخیراً از سوی دولت اعلام شده است. براساس گفته‌های مقامات دولت، اداره پست سلطنتی انگلستان با بحران اقتصادی روبرو بوده و تنها همچنان نیز اخراج بیش از ۳۰ هزار نفر از کارگران پست در سراسر این کشور است. پخش این خبر موجی از مخالفت را در میان کارگران پست برانگیخت. اعتصابیون در اطلاعیه‌های خود از دولت تونی بلر پرسیدند که چرا به جای اخراج کارگران، سربازان انگلیسی را از عراق به این کشور برآورده‌اند و به رغم افزایش روز افزون بیکاری و کاهش خدمات رفاهی برای کارگران، چرا هنوز پخش عظیمی از بودجه دولت را خرج ماشین جنگی این کشور می‌کند. پس از این اعتصاب، کارگران اعلام نمودند که در صورت مخالفت با خواست های آنان، روز ۱۶ اکتبر، مجدداً دست به یک اعتصاب یک روزه خواهند زد.

### \* اعتصاب کارگران فورد در بلژیک

روز ۶ اکتبر، تمامی ۱۰ هزار کارگر یکی از کارخانجات وابسته به کمپانی اتموبیل سازی فورد در شهر Gent در بلژیک دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. در این جا نیز بحران و خیم اقتصادی کار را به جایی رسانده است که سرمایه داران تنها راه نجات خود را اخراج بیش از ۳ هزار نفر از کارگران یافته‌اند. این خبر خشم کارگران را برانگیخت و نقطه آغازی شد برای تدارک یک رشته حرکات اعتراضی به منظور متوقف ساختن این تصمیم کارفرما. اولین اعتصاب، روز ۶ اکتبر بود. اعتصابیون با آغاز این حرکت، به فوریت تمام راههای منتهی به این کارخانه را مسدود نمودند و از ورود و خروج قطعات یدکی به این کارخانه جلوگیری کردند.

کارگران با متوقف کردن تولید و جلوگیری از ارسال قطعات یدکی به دیگر کارخانه‌ها - این کمپانی در اورپا، تلاش دارند این اعتصاب را به دیگر مناطق گسترش داده و با تشديد مقاومت و مخالفت در مقابل خودسری‌های کارفرما، از اخراج بیش از ۳۰ هزار نفر از هم زبان خود جلوگیری کنند.

صفحه ۵

کارگران و سرمایه داران فشار آورده و می خواهند که هرچه سریع‌تر به توافقات لازم رسیده و کارگمع آوری زباله را از سریبگیرند. در عین حال مقامات شهرداری شیکاگو اعلام نمودند که در صورت طولانی شدن اعتصاب کارگران، سربازان ارتشار را برای جمع آوری زباله‌های این شهر به کار خواهند گرفت.

### \* اعتصاب کارگران در اسرائیل

هزینه سنگین جنگی همه جانبیه علیه مردم فلسطین اقتصاد بحران زده اسرائیل را با معضلات جدی مواجه ساخته است. کمک‌های چند میلیارد دلاری محافل صهیونیست در آمریکا و دیگر کشورهای جهان، که بی‌وقفه به خزانه این کشور سازیز است نیز نتوانسته سنگینی بار این بحران را کاهش دهد. اوضاع سیاسی و اقتصادی وخیم است و ماشین کشتار و جنگ علیه توده های مردم فلسطین توقف ناپذیر. باید هرچه‌زودتریه فکر تامین هزینه‌های سرسام او رکشتر و سرکوب بود. و چه راه حلی بهتر از چیپاول بیشتر دسته را کارگران و زحمتکشان اسرائیل. بنا براین در اینجا هم دولت تنها راه چاره را به رسم تمام دولت های سرمایه داری، انتقال بار بحران بر دوش کارگران و زحمتکشان یافته است. در آخرین روزهای ماه سپتامبر بود که دولت اسرائیل خبر اخراج‌های وسیع و کاهش بازهم بیشتر هزینه‌های رفاهی میلیون‌ها کارگر و کارمند داد. هر چند وزیر کشور در اوایل راهی زمانی که کارگران در مخالفت با این طرح های ضد انسانی دولت دست به اعتصاب عمومی زدند، اعلام کرد که هیچ خبری از اخراج‌های دست‌جمعي نخواهد بود. اما تنها گذشت ۳ ماه لازم بود که دروغ‌های مقامات دولت آشکار شده و اعلام شود که تنها راه مقابله با بحران اخراج کارگران و کاهش هزینه‌های رفاهی و درمانی آنان است. با پخش این خبر، کارگران دست به تدارک اعتصاب زده و روز ۲۹ سپتامبر بیش از ۱۰۰ هزار نفر از کارگران و کارکنان دولت در سراسر اسرائیل کارهای خود را برای مدت نامحدود تعطیل کردند. با آغاز این اعتصاب، فرودگاه بین المللی بن گوریون در اورشلیم به طور کامل تعطیل شد و بیش از ۴۰ کشتی عظیم باربری در ۳ بندر بزرگ اسرائیل برای تخلیه بارخود در صفي طولانی به انتظار ماندند. روز ۳۰ سپتامبر نیز بیش از ۱۰۰ هزار نفر دیگر از کارگران و کارکنان بخش های دولتی و خصوصی به اعتصابیون پیوستند و راه پیمایی بزرگی در شهر اورشلیم و بندر حیفا انجام گرفت که طی آن دهه‌هزار نفر، به رغم وضعیت ویژه این شهرها، در خیابان‌ها راهپیمایی کردند و خواهان متوقف اخراج‌ها، افزایش دستمزدها و هزینه‌های رفاهی و درمانی خود به میان نیاورند.

کارگران از افزایش سودهای سرمایه داران در چند سال گذشت‌ماطلاع دارند و می‌پرسند که چرا هزینه این جنگ ویرانگر را کارگران بپردازند؟ این جنگ، جنگ مانیست و ما حاضر به پرداخت هزینه‌های کشتار مردم عراق نیستیم. به رغم تهدید آشکار کارفرمایان، این اعتصاب وارد دهه‌ین روز خود شده و تمام تلاش های نمایندگان سرمایه‌داران برای قانع کردن کارگران به دستمزدی کمتر از ۴۰٪ با مخالفت قاطع آنان روبرو شده است. اکنون با تلبیار شدن هزاران کیسه زباله در گوش و کنار خیابان - های این شهر بزرگ، مقامات دولت به



### \* اعتصاب کارگران بنادر در اروپا

به دنبال تشدید حملات به شرایط کار کارگران بنادر اروپا ولیبرالیزه کردن بنادر که به اخراج گروهی از باراندازان و خامت شرایط کار برخی دیگر می‌انجامد، روز اول اکتبر مصدوها تن از کارگران بنادر در رتردام - هلند دست به اعتراض زدند. کارگران که از بنادر اروپا به هلند آمده بودند، مخالفت خود را بازبازپس‌گیری حقوق و دستاوردهای خود به نمایش گذاردند. لازم به ذکر است که در ماه مارس گذشته، هنگامی که پارلمان اروپا رای بر تضییقات و حمله به شرایط کار باراندازان داد، کارگران بنادر طی چند اعتصاب و تظاهرات مخالفت خود را نشان دادند. تظاهرات یورش وحشیانه پلیس روپرو شدند. اول اکتبر در بزرگ‌ترین بندر جهان - رتردام - نیز با یورش نیروهای ویژه سرکوب روبرو شد و به مجرح گشتن چند کارگر انجامید.

### \* اعتصاب کارگران خدمات در شیکاگو

سرانجام با به بن بست رسیدن دور طولانی مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی، کاسه صبر بیش از ۳ هزار نفر از کارگران ۱۷ شرکت جمع آوری و سوخت زباله در شهر شیکاگو و بیش از ۴۰ شهرک اطراف آن، لبریز شد و روز اول اکتبر تمامی این کارگران دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. در حالی که در این دوراز مذاکرات کارگران خواهان افزایش حقوق رفاهی، بیمه درمانی و افزایش دستمزدها به میزان ۴۰٪ هستند، سرمایه دارن بی شرمانه بازسازی عراق و هزینه‌های مربوط به جنگ امپریالیست ها را بهane کرده و از کارگران خواستند که تنها به افزایش دستمزدهای میزان ۲۵٪ رضایت داده و هیچ صحبتی از افزایش هزینه‌های رفاهی و درمانی خود به میان نیاورند. کارگران از افزایش سودهای سرمایه داران در چند سال گذشت‌ماطلاع دارند و می‌پرسند که چرا هزینه این جنگ ویرانگر را کارگران بپردازند؟ این جنگ، جنگ مانیست و ما حاضر به پرداخت هزینه‌های کشتار مردم عراق نیستیم. به رغم تهدید آشکار کارفرمایان، این اعتصاب وارد دهه‌ین روز خود شده و تمام تلاش های نمایندگان سرمایه‌داران برای قانع کردن کارگران به دستمزدی کمتر از ۴۰٪ با مخالفت قاطع آنان روبرو شده است. اکنون با تلبیار شدن هزاران کیسه زباله در گوش و کنار خیابان - های این شهر بزرگ، مقامات دولت به

**أخبار کارگری جهان****خبری از ایران****\*اجتماع اعتراضی  
کارگران گروه صنعتی بلا**

دراعتراض به نحوه اجرای قانون مشاغل سخت وزیان آور، کارگران گروه صنعتی بلا، روز نهم مهر در برابر ساختمان سازمان تامین اجتماعی دست به تجمع زدند. به دنبال آن، نیروهای سرکوب نظامی فوراً خود را به محل اجتماع کارگران رساندند تا از ادامه اعتراض و گسترش آن جلوگیری کنند. از اوایل سال ۸۱ به کارگران کفش جم وابسته به گروه صنعتی بلا، وعده داده شده بود که خواست کارگران را در این مورد برآورده کنند، اما هیچ اقدامی در اینجهت به عمل نیامده است. در عین حال کارگران شرکت مهپوش وابسته به گروه صنعتی بلا، پس از انحلال این شرکت در ۸۱/۴/۱، از کار بیکار شده اند. کارگران گروه صنعتی بلا در اجتماع خود، نسبت به عملی نشدن این قول ها و بی مسئولیتی سازمان تامین اجتماعی، شدیداً اعتراض نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. سرانجام مسئولین سازمان تامین اجتماعی مجدداً وعده دادند به خواست کارگران رسیدگی کنند.

**\*تجمع اعتراضی صیادان**

دهها تن از صیادان کیلکای شمال، از ظهر روز ۱۲ مهر، دراعتراض به وضعیت حقوقی و معیشتی خود و برای بهبود آن در برابر سازمان مدیریت و برنامه ریزی دست به تجمع زدند. این تجمع اعتراضی پس از آن که معاون تولید سازمان مدیریت، ده روز مهلت خواست تا به خواست صیادان رسیدگی کند، در ساعت شش بعد از ظهر پایان یافت.

**\* اعتراض کارگران پارس ایران**

بیش از چهار ماه است که دستمزد کارگران نساجی پارس ایران در رشت، پرداخت نشده است. کارفرما با توصل به بهانه‌های مختلفی از پرداخت دستمزد ها خودداری نموده و شرکت رادرhalt بلاتکلیفی و آستانه انحلال قرارداده است. ۲۶۸ کارگر این شرکت در



بیش از ۲۵ نفر را زخمی کردند. اعتصابیون هم با دست خالی به مقابله با ماموران تا داندان مسلح ارتش و پلیس پرداخته و آنان را وارد به عقب نشینی نمودند. پخش این خبر آتش خشم مردم را شعله ورنمود و بلافاصله اعتراضات وسیعی درسراسر بولیوی و در حمایت از خواست کشاورزان شکل گرفت. در روزهای پایانی ماه سپتامبر اعتراض و راه بندان جاده ها وارد سومین هفتاد شد و همزمان اعتراضات دیگری با فراخوان سندیکای سراسری کارگران بولیوی شکل گرفت. دولت این کشور قصد دارد که منابع گاز طبیعی این کشور را با قیمتی ارزان به انحصار آمریکایی بفروشد. به رغم تبلیغات عوامگریبانه دولت مبنی بر این که سود حاصل از فروش منابع گاز طبیعی تنها در داخل بولیوی و برای بهبود شرایط زندگی میلیون ها انسان فقر زده صرف خواهد شد، اما همه می‌دانند که بخش عده سودهای حاصل از فروش منابع گاز تنها به جیب سرمایه‌داران آمریکایی سرازیر شده و بخش ناچیزی از آن هم نصیب نوکران چکمه پوش آنان می‌شود و سهم کارگران و زحمتکشان فقر زده بولیوی هم تنها سرکوب و ستم بیشترخواهد بود. به همین دلیل در روزهای پایانی سپتامبر نیز حد ها هزار نفر در خیابان های شهرهای بزرگ این کشور از جمله La Paz، پایتخت بولیوی، گردhem آمدند و با برپایی راهپیمایی و تظاهرات، خواستار توقف فروش منابع گاز این کشور به سرمایه داران آمریکایی شدند.

بولیوی با بیش از ۹ میلیون نفر جمعیت، فقیر ترین کشور آمریکای جنوبی است. بیش از ۶ میلیون نفر از مردم این کشور در فقر و گرسنگی به سرمی برند و با درآمدی کمتر از ۵ دلار در روز زندگی مشقت بار خود را می گذراند. سالهای است که دیکتاتوری نظامی قدرت سیاسی را در دست داشته و با سرکوب خونین و وحشیانه میلیون ها کارگر و زحمتکش، منافع اربابان خود، یعنی امپریالیست های آمریکایی را حفظ و حراست می کنند. این شرایط سخت و دشوار موجب شده که آتش مبارزه میلیون ها انسان ستمیده هر از گاهی شعله کشیده و رویای زندگی انگل وار سرکوبگران را به کابوس مرگ مبدل سازد. موج اخیر مبارزات کارگران و زحمتکشان بولیوی نیز در همین راستا قابل بررسی است. نقطه آغاز این موج از مبارزات و اعتراضات کشاورزان فقیر مناطق شمالی بولیوی بود. فشار کمر شکن موسسات مالی به همراه آزادی مطلق برای ورود محصولات کشاورزی ارزان از آمریکا، موجب خانه‌خوابی میلیون ها کشاورز شده و زندگی آنها را به نابودی مطلق سوق داده است. در اواسط ماه سپتامبر هزاران نفر از کشاورزان به همراه خانواده های خود دست به اعتراض زده و تمامی راههای اصلی شمال بولیوی را اشغال کردند. با آغاز این حرکت، صد ها وسیله حمل و نقل در جاده ها متوقف شده و هزاران مسافر در راه بندان متنفس شده و هزارنفر از کشاورزان فقیر هایی که بعض به چند کیلومتر می رسید، به انتظار پایان این حرکت نشستند. روز ۱۹ سپتامبر، دهها هزارنفر از کشاورزان فقیر در خیابان های چند شهر بولیوی، از جمله Cochabamba دست به راهپیمایی زند و با تجمع در میدان مرکزی شهر، خواهان رسیدگی به وضع فلاکت بارخود شدند. دولت این کشور در آغاز تلاش کرد این حرکت وسیع را بی اهمیت جلوه دهد، اما سرانجام در روز ۲۰ سپتامبر و تحت فشار اربابان خود دست به جنایتی هولناک زد. در این روز ماموران امنیتی این کشور به یکی از راه بندان های اصلی در حوالی شهر Sorata، که بیش از ۷۰۰ توریست غربی را در اتوبوس های خود به انتظار نشانده بود، بورش برند و ۷ نفر از اعتصابیون را به قتل رساندند و

آموزشی، ازجمله نبود سالن مطالعه وسرویس رفت و آمد به دانشگاه، دست به اعتراض زدند. مدیر کل امور دانشجویی دانشگاه لرستان، با حضور درخوابگاه، وجود مشکلات و نابسامانی‌ها را تأیید کرد و در عین آن که از دانشجویان خواست که نباید انتظار زیادی داشته باشند، قول داد به این مشکلات رسیدگی شود.

### \* اعتراض دانشجویان شهرکرد

دانشجویان دانشگاه شهرکرد، در ارتباط با نارسایی‌های متعدد رفاهی، صنفی و آموزشی این دانشگاه، دست به اعتراض زدند. گران شدن غذای دانشگاه و پائین بودن کیفیت آن، نبود سرویس‌ایاب و ذهاب، شلوغ بودن کلاس‌های درس، عدم امکانات کامپیوتوری جهت پرورش های تحقیقاتی، خصوصی کردن بخش هایی از دانشگاه، از جمله دلائل اعتراض دانشجویان است.

### \* چند خبر کوتاه

- در جریان بحران صنایع نساجی و اجرای قانون به اصلاح بازسازی و نوسازی صنایع نساجی، از مجموع ۲۲ هزار کارگر شاغل در واحدهای نساجی اصفهان، هشت هزار نفر مشمول قانون بازنیستگی پیش از موعد و ۸ هزار نفر اخراج و بازخرید شده‌اند.

- یکی از اعضاء دفتر مرکزی کانون صنفی معلمان ایران در خصوص برگزاری همایش روز معلم گفت که در این همایش، بیش از ۶ هزار نفر از معلمان اصفهان، ۵ هزار نفر از فرهنگیان شیراز، هزار نفر از ارومیه، هزار نفر از تهران، و بیش از ۷ هزار نفر از فرهنگیان همدان در این تجمع شرکت کرده‌اند.

- صادقی رئیس کانون عالی شورا های اسلامی گفت درصد نیروی کارکشور زیر خط فقر هستند. وی گفت "در حال حاضر ۶۵ درصد نیروی کارکشور زیر خط فقر نسبی و بیش از ۲۵ درصد زیر خط فقر مطلق قرار دارند که در هیچ کشوری با این مورد رو برو نمی‌شویم!"

- ایلنا در مورد شوراهای اسلامی نوشت "از مجموع ۵۰۰ واحد تولیدی مشمول تشکیل شورای اسلامی در استان مرکزی، فقط در ۱۰ درصد کارخانه‌های واجد شرایط، این نهاد تشکیل شده است."

- اند، گفته اند که کارگران مشمول بیمه بیکاری نمی‌شوند. در عین حال با پی-گیری و مراجعت کارگران به اداره کار، هیئت حل اختلاف رای بازگشت به کارگران را صادر نموده است. امام‌دیریت کارخانه به بهانه‌های مختلفی از بازگشت به کار کارگران و راه اندازی تولید جلو-گیری می‌کند. در حال حاضر ۲۵ تن از کارگران، هر روزه برسر کار حاضر می‌شوند و بدون هیچ‌گونه فعالیتی پس از ۸ ساعت، دوباره به خانه بر می‌گردند. کار-گران خواهان باز گشت به کار، ادامه کاری کارخانه و ضمانت شغلی هستند.

### \* تحصن کارگران آذربآب

کارگران شرکت صنعتی آذربآب، از روز پنجشنبه ۱۷ مهر، در اعتراض به اقدام مدیریت شرکت مبنی بر اخراج کارگران، در برابر شرکت دست به تحصن زدند. مدیریت شرکت صنایع آذربآب، به بهانه این که کارگران تحت پوشش شرکت خدماتی "انجمن حمایت از بیماران کلیوی" می‌باشد و مدت زمان قرارداد شرکت صنایع آذربآب و شرکت خدماتی مزبور، به اتمام رسیده است، ۵۵ کارگر این شرکت را اخراج کرد. این در حالی است که اکثر کارگران دارای سوابق کاری زیادی هستند و به غیر از کارگران دائمی، قراردادهای کاری سایر کارگران نیز تمدید شده است. کارگران نسبت به این تصمیم مدیریت، شدیداً اعتراض دارند و در تحصن خود، خواستار لغو آن شدند.

### \* اعتراض کارگران در بندر دیلم

نزدیک به ۴۰۰ تن از کارگران شرکت گاز آن. جی. ال. بندر دیلم در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خویش دست به اعتراض زدند.

بیش از ۵ ماه است که دستمزدهای کارگران پرداخت نشده است. کارگران طی این اقدام اعتراضی، خواستار حقوق‌های معوقه خود شدند.

### \* اعتراض دانشجویان خوابگاه دخترانه

دانشجویان خوابگاه دخترانه خانه دانشجویی دانشگاه لرستان، در رابطه با پرداخت شهریه بسیار بالا جهت اسکان و اوضاع نابسامانی خوابگاه، نیز نسبت به عدم امکانات رفاهی و

## اخباری از ایران

اعتراض به این موضوع، بارها در محل شرکت دست به تجمع اعتراضی زده اند. در ادامه همین اعتراضات است که هم اکنون بار دیگر دست به اعتراض زده و خواستار پرداخت حقوق‌های عقب افتاده، پایان بلاتکلیفی و ضمانت‌شغلی شده‌اند.

### \* آجر "سازمایه" در آستانه انحلال

بیش از دو ماه است حقوق و مزایای کارگران کارخانه‌آجر "سازمایه" پرداخت نشده است. صاحبان این شرکت، به دلیل عدم پرداخت بهاء آب، برق و گاز، مبلغ یک میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی بدھکارند و مقدمات فروش و انحلال شرکت را فراهم کرده‌اند. هم اکنون بیش از دو سال است که لباس کار و کفش کار نیز به کارگران داده نشده است. کارگران نسبت به این مسائل اعتراض دارند، خواستار پرداخت حقوق‌ها و سایر مطالبات معوقه و ادامه کاری کارخانه اند.

### \* دستمزد کارگران پوشین گستر پرداخت نمی‌شود

بیش از ۸ ماه است حقوق کارگران شرکت پوشین گستر رشت پرداخت نشده است. این شرکت که در زمینه بسته بندی نایلون و نایلکس فعالیت می‌کند، از چند ماه پیش تعطیل شده و در حال حاضر ۶۰ تن از کارکنان این شرکت بیکار شده‌اند. گفته می‌شود که مدیر عامل شرکت، به دلیل صدور چک‌های بی محل در بازداشت به سر می‌برد و کارگران از اداره کل کار استان، خواسته‌اند حقوق‌های معوقه آنان پرداخت و به سایر مطالبات شان رسیدگی شود.

### \* اخراج کارگران کاغذ سازی حریر

شرکت صنایع کاغذ سازی حریر قائم‌شهر، از خرداد ماه سال جاری، تولید رامتوقف نموده و ۸۰ نفر از کارگران را اجباراً بازخرید نموده است. این در حالیست که مدیریت کارخانه به کارگران و عده داده بود پس از تسویه حساب، مشمول دریافت بیمه بیکاری می‌شوند. از سوی دیگر، مسئولین سازمان تامین اجتماعی، به کارگرانی که به‌این سازمان مراجعه کرده

## جنبش توده‌ای علیه چپاول امپریالیست‌ها در بولیوی



بهای بهتری بخرد و با توجه بهاین که یک نهاد سازمان ملل متحد به نام سازمان توسعه اقتصادی با بررسی ۹ پروژه گازی بولیوی حاضر شد ۴۵۰ میلیون دلار در اختیار آن ها بگذارد، مردم بولیوی نیازی به سرمایه گذاری شرکت های چند ملیتی ندارند. مورالس می افزایید که دولت بولیوی نه فقط با چنین پروژه‌هایی مخالفت می‌کند بلکه حتاً نمی‌خواهد عوارض را از ۱۸ درصد ۵۰ در صد افزایش دهد تا لاقل ۱۵۰ میلیون دلار در سال از قبل آن ها حاصل گردد و صرف نیازمندی های مردم شود. در حالی که مردم در لایپز و دیگر شهرهای بولیوی به طور مسالمت آمیز اعتراض می‌کردند، رئیس جمهور بولیوی تهدید کرد که اگر معترضین دست به افراط بزنند، دستگیر و زندانی خواهند شد. وی همچنین گفت: "ما اجازه نخواهیم داد که در بولیوی جنگ داخلی به راه افتد!" سانچز دلازادا که لقب "هوشمندترین نئولیبرال" آمریکایی لاتین را دارد، همچنین گفته است: "می خواهند از خیابان ها بر این کشور حکومت کنند" در حالی که ما برای حکومت کردن پارلمان و نهادهای ویژه داریم". سانچز دلازادا روز ۵ اکتبر گفت: "من استعفانمی دهم، زیرا همسرم از من حمایت می‌کند و می‌خواهد کماکان نخستین زن بولیوی باشد!" نباید فراموش کرد که دلازادا بر اساس ساز و کارهای دمکراتی پارلمانی تنها با ۲۲٪ آرای مأخوذه به ریاست جمهوری بولیوی رسیده است.

هرچند که جنبش توده‌ای با تهدید، کشتار

گوناگون از اواسط سپتامبر در بولیوی علیه تاراج منابع گاز، علیه انحصارات امپریالیستی و علیه دولت نئولیبرالی سانچز دلازادا آغاز شدند که در نوع خود درآمریکایی جنوبی بی سابقه هستند.

روز ۲۰ سپتامبر نیروهای سرکوبگر پلیس به بهانه مقابله با یک انسداد جاده، ۶ نفر را در واریساتا کشتند که در میان آنان یک دختر ۸ ساله دیده می‌شد. این کشتار در حالی رخ داد که روز پیش از آن کمیته ملی دفاع ازگاز توانسته بود با فراخوان خود ۳۰ هزار نفر را در کوچاباما و ۵ هزار نفر رادر لایپز علیه تاراج منابع گازی بولیوی گرد هم‌آورد. در فردای کشتار مردم در واریساتا، گرین لی سفیر آمریکا در بولیوی به دولت این کشور قول ۶۳ میلیون دلار کمک را داد. ازسوی دیگر رادیوی دولتی بولیوی یک کار زارتبلیغاتی را شروع کرد که در آن جملاتی مانند: "گفت و گو آری، راهبندان و خشونت نه" شنیده می‌شد!

در پایان هفته اول اکتبر مبارزات چنان رادیکالیزه شدند که مردم خواهان استعفای رئیس جمهور گشتند. روز ۶ اکتبر تظاهرات مردم در لایپز پایتخت بولیوی، با مسدود کردن جاده های شمال این شهر همراه شد. در راهپیمایی ۶ اکتبر کارگران، کشاورزان، دانشجویان و معلمان متعدد شرکت داشتند. دراین روز سولارس، یکی از رهبران اتحادیه کارگران بولیوی (COB) گفت: "هفته ای که گذشت، هفته ای مبارزه بود، زیرا هر روز و در تمام بخش های اقتصادی و شهرهای بزرگ بولیوی تظاهرات برپا بود. ما توانستیم پایتخت را برای ۶ ساعت فلک کنیم". سولارس سپس گفت که اگر دولت تصمیم بگیرد که حکومت نظامی برقرار کند، کارگران پیشگامان نافرمانی از آن خواهند شد. اتحادیه کارگران بولیوی روز ۳۰ سپتامبر به یک اعتصاب عمومی نامحدود فراخوان داد.

جنبش به سوی سوسیالیسم و رهبری ازو مورالس نیز در اعتراضات اخیر نقش فراوانی دارد. مورالس می‌گوید که مردم بولیوی می‌خواهند اختیار منابع گاز را در دست بگیرند و حاضر نیستند که شرکت های چند ملیتی آنها را به تاراج بزنند. وی می‌گوید که اگر مردم بولیوی خود به بهره برداری از منابع گازبیزدازند هرسال یک میلیارددلار عاید این کشور می‌شود، درحالی که اکنون انصهارات حاضر در بولیوی متابع هنگفتی در شیلی نیزدارند و بدین دلیل می‌خواهند گاز را به بندری در این کشور بفرستند و نه در پرو. اما مردم بولیوی که اکنون ۶۰ درصدشان در پی سیاست های نئولیبرالی سرمایه داری زیر خط فقر زندگی می‌کنند با هیچ کدام از اقدامات بر شمرده شده در بالاموفق نیستند. یک رشته تظاهرات، اعتصابات و اقدامات

## صفحانی از تاریخ مبارزات مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی ( قیام خونین صیادان انزلی )

و بهمن آزنگها، حسن نیک داویدی‌ها و اکرم صادق پورها و ... دیگر مبارزان راه رهایی زحمتکشان همچنان زنده و پویاست وبا تمام توان خود در خدمت توده های درد ورنج قرار دارد و قادر است دوست را ازدشنمن با سرعتی باور نکردنی تفکیک کند و راه بگشاید. اولین قربانی این خیزش در جلوی درب ورودی شیلات سرکوبگر زنده یاد صیاد آزاد (قربانی یعقوبی و سپس دوهین قربانی زنده یاد صیاد آزاد یحیی ...) به دست پاسداران دین و سرمایه چمهوری اسلامی به خون در می‌غللنده و با گلوله های این جانبان رخمه‌های بی‌شماری به خاک می‌افتدند واز پس آن جنگ و گریزی شبانه فرا می‌رسد. حافظان نظم سرمایه خود را برای قلع و قمع اعتراض کنندگان آماده می‌کنند تا با کشتار بیشتر و سرکوب خشن تر، نظم پوسیده خود را سرپا نگاه دارند.

صبح روز چهارشنبه ۲۴ مهرماه ۱۳۵۸، در پی التهابی جانکاه که تمام شهر را در برگرفته آغاز می‌شود. شهر بدر انزلی با تعطیلی کامل مواجه است. دانش آموزان پیشگام و نیروهای مردم دگر باره در سطح شهر به حرکت در آمده و باتظاهرات شکوهمند از چهارگوش شهره سوی تنهای‌میرستان شهر واقع در خیابان سی‌متري انزلی سراسر می‌شوند. دگر باره جمعیتی خروشان و لبریزاز کینه به پاسداران سرمایه و این بار با تشییع بیکر های صیادان به خون تپیده ای که روز گذشته در مصافی نابرابر به خاک افتادند با شعار : "صیاد انقلابی" شهادت مبارک" به سوی ارگان های سرکوب و در اولین قدم به سوی مقر سپاه پاسداران به حرکت در می‌آید. دگرباره فرخ بلند کیش فرمانده مزدور سپاه پاسداران انزلی فرمان آتش به سوی مردم را صادر می‌کند، و پاسداران تحت امر وی جنایتکارانی چون رحیم خلخالی و دیگر پاسداران شناخته شده‌ای که در مقابل چشم همه مردم دست به کشتار زندن، و ۲۴ مهر ۵۸ را نیز چون روز گذشته از خون مردم بی دفاع شهر رنگین ساختند. اکنون مردم دیگر از حالت تداعی خارج شده و با شعار : "انزلی- کردستان پیوندتان مبارک" و بادست خالی به مقر سپاه پاسداران حمله برده و تعدادی از پاسداران را خلی سلاح و تعداد دیگری را به سارتر گرفتند و این مقر را به محاصره کامل خود درمی‌آورند. با تنگ‌ترشدن حلقه محاصره و پاسداران گرفتار در آن، مذاکره برای درامان ماندن آنانی که موفق به فرار از خشم مردم نشده بودند، برای انتقال به نقطه ثالث و با سلطات ارتش نیروی دریایی که به کمک پاسداران آمده بود تا قدرت به دست مردم نیافتند آغاز می‌شود. مردم اما نپذیرفته و با سلاح های به دست آمده از پاسداران و رد وساطت نیروی دریایی که

را در بر می‌گیرد، از گذشته های دور، صید وصیادی بوده است. در عین حال به دلیل فصلی بودن صید و صیادی و درنهایت ۶ ماه درسال، درآمد زحمتکشان این ناحیه‌اشمال، همواره بسیار ناچیز بوده است. مردم زحمت-کش این منطقه، از سوی هر دو رژیم پهلوی و چمهوری اسلامی دائمًا تحت فشار قرار داشته اند. تلاش ها و مبارزات آنها برای دستیابی به مطالبات و نیازهای اولیه خود و برای یک زندگی بهتر، همواره با سرکوب و کشتار مواجه بوده است. اما این اقدامات سرکوبگرانه، هیچ گاه نتوانست مقاومت و مبارزه زحمتکشان این منطقه را خاموش سازد. چه بسا خود، اعتراضات دیگری را نیز برانگیخت. فیامخونین صیادان و مردم مبارز انزلی، گواهی بر این حقیقت است.

صبح روز سه شنبه ۲۳ مهر ۱۳۵۸ صیادان آزاد انزلی در محل دائمی و سنتی خود واقع در زیر پل انزلی (محوطه شنبه‌بازار)، دست تجمع می‌زنند. به موجب قراردادی فیامبین تعاوینی های شیلات و صیادان آزاد، طرفین متعهد شده بودند که تا معلوم شدن نتیجه مذاکرات و تعیین تکلیف نهایی برای حدود و شعور صید و صیادی، از کار صید خود داری کنند. درحالی که نمایندگان صیادان آزاد در تهران بانمایندگان وزارت کشاورزی مشغول مذاکره بودند و نمایندگان صیادان آزاد، برای توقف اقدامات خودسرانه شیلات خود دفاع کرده بودند، از چهارسوسی شهرانزلی، به رویارویی با نمایندگان و مجریان فرامین خدا در روی زمین برمی‌خیزند. جمعیتی انبوه با شعار "این یک فریاد است، دریا مال صیاد است" به سوی شیلات، این سنگر دیو سیرتانی که در پس آن بزرگانه با زانو زدن برای شلیک به سوی جمعیت، رگبارگله‌های جهل و جنون می‌باریدند، به حرکت و خیزش در آمد. در همین اثناء خبر می‌رسد که آخوند احسان بخش، نماینده وقت‌بهینی جلاد در استان گیلان و امام جمعه رشت به همراه استاندار گیلان در میان درگیری حضور پیدا کرده تا با وساطت قضیه را فیصله دهند. اما با چنان آتش خشم مردم درگیر درین خیزش در محل درب ورودی شیلات مواجه می‌شوند که ناگزیر به فرار شده و به پایگاه نیروی دریایی از این این از ماهی‌های تازه صید شده در چندین کامیون از ماهی‌های تازه صید شده شیلات رامتصادره نموده و تمام ماهی‌ها را بین مردم زحمتکش منطقه تقسیم می‌کنند. خبر این اعتراض و درگیری، با سرعت زیاد و در وسعتی باورنکردنی در کل منطقه پخش می‌شود. مردم از سراسر منطقه صیادی و اطراف آن، خود را به انزلی رسانده و در کنار صیادان آزاد، به مقابله با مامورین شیلات می‌پردازند. بخشی از شیلات در همان درگیری های اولیه عصر روز بیست و سوم مهرماه، به آتش کشیده می‌شود. رژیم

**صفحاتی از تاریخ مبارزات . . .**

پذیرفت خود را درگیر با مردم خشمگین نکند و جنگ را به مرحله بالاتر سوق ندهد ارتش رانیز وادر به عقبنشینی می‌کنند. ساعتی بعد حیله و ترفندباقایی پاسداران در محاصره و گرفتار برمنا می‌شود. آن که مردم فرصت داده بودند که تسليم شوند، تو گویی همان مثل: ترجم برقانگ تیز دندان!! کارخود راکرده بود. پاسداران با ازبین بردن اسلحه و مهمات داخل مقر محاصره شده و برداشت مقداری برای خودشان، شروع به آتش گشودن رگبار مسلسل به سوی مردم کردند تاره را برای خود بگشایند و حلقه محاصره را بشکند. اینبار اما با مقابله مسلحانه مردم مواجه و در نتیجه درگیری مسلحانه به اوج خود می‌رسد. تعدادی کشته و مجروح از طرفین بهخاک می‌افتد، پاسدارانی چون: صفایی، برجی سماک، رود کار و . . . به دست توانای مردم به هلاکت می‌رسند و جنگ مسلحه توده ای به سرتاسر شهر گسترش پیدا می‌کند. شهر بندرانزلی اکنون همچون دری استوار، با سنگینی در نقاط حساس، به تعقیب این جنایت کاران می‌پردازد. شهرداری، شهربانی، فرمانداری و . . . که به سنگر این دری خیان تبدیل شده بود یکی پس از گیری سقوط می‌کند و به دست مردم قهرمان و صیادان مبارز و زحمتکش فتح می‌شود. در این جنگ و گریز، صیاد زادگانی چون: عباس حورمند، کیومرث مهرپور، علیرضا زبردستی، محمود نوحه خوان، رسول امانی و . . . در خون خود درمی‌غلطند. اتحاد وهمبستگی گروه های مردم و نقل و انتقال کشته ها وزخمی های درگیری به حدی بود که پیشکان و امداد -گران به دلیل ازدیار داوطلبان و اهداء کنندگان خون وارسال بیش از حد دارو و کمکهای بهداشتی بارها از مردم خواستند که فعلاً احتیاج به کمک های اولیه ندارند. خیانی جنایت کار در اوج جنگ و گریز دو روزه ازلی با پیامی از طریق رسانه های دولتی مردم مبارز ازلی را مشتی اراذل و اوباش و بی غیرت خواند و از امت همیشه درصحته خود در منطقه خواست که به یاری پاسداران جنایتکارش بستابند. این در حالی بود که مردم در کوه و خیابان شعار می‌دادند، سپاه پاسداران برای همیشه از ازلی اخراج باید گردد. و چنان شد که پاسداران تا ۶ ماه جرئت ورود به شهر و دائز کردن مقر را نداشتند. در طی این مدت با رویدادهای گوناگونی سعی کردن با ایجاد جو رعب و وحشت توسط جوخده های مرگ و باندهای جنایتکار خود شرایطی برای سرکوب مردم و کنترل اوضاع شهر به دست بیاورند. نخست، آخوند روحانی نژاد

توسط درخیمان جمهوری اسلامی از بد و تاسیس آن در جای جای ایران به وضوح نمایان است. هنوز آثار کشتار زحمتکشان غرق در خون گندزاران گنبد و ترکن صhra و رهبران آن . . . هنوز آثار کشتار خلق عرب خوزستان در اهواز و خرمشهر و آبادان و آثار جزغاله شدن مردم در سینما رکس توسط باندهای مشترک شاه و خمینی در بحبوه انقلاب . . . هنوز آثار کشتار خلق قهرمان کردستان به عنوان نخستین خلقی که جهاد خمینی جلاد را از سرگذراند . . . هنوز مقاومت خلق های بلوجستان و آذر- باستان و . . . برای حق تعیین سرنوشت و هنوز انواع قتل های زنجیره ای و عنکبوتی و . . . برای به زانو در آوردن مردمی مقاوم و زحمت کش توسط تمامیت رژیم جمهوری اسلامی در جریان است. معهذا عمر این رژیم نیز به سر رسیده است. برای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نیز همچون سلف خود رژیم سلطنتی، مکانی جز زباله دان تاریخ باقی نمانده است.

یاد قیام صیادان مبارز و مردم قهرمان ازلی گرامی باد!

(گیلک غازیانی)

**ازصفحه ۳****وضعی سیاسی خاور میانه و . . .**

اسلامی، چیزی نمانده بود که حتاً عدم اش کنند.

بنابراین اگر بادیدی طبقاتی به مسئله نگریسته شود، هم ماهیت کمیته صلح نوبل روشن است و هم گزینه های او. حتاً اگر کمیته صلح نوبل به جای عبادی یک زن بورژوازی دیگر را برمی گزید که خود را لائیک هم معرفی می کرد، در ماهیت قضیه هیچ تغییری ایجاد نمی کرد. چنین زنی نیز می باشد. پس نقد چپ، نباید قدی سطحی به ظواهر امور، بلکه نقدی ریشه ای به کل مناسبات و سیاست های بورژوازی باشد. از این رو وظیفه ما این نیست که بگوئیم حکوم می کنیم، به این علت که گفته است، من مسلمان و تضادی میان اسلام و آزادی نمی بینم. وظیفه ماست که از هم اکنون کنه قضیه را نقد کنیم و به توده های کارگر و زحمتکش، زنان و جوانان ایران بگوییم، ماجرا خاتمی در شکل دیگری می خواهد تکرار شود. هوشیار باشید. تلاش های ارتجاعی بورژوازی ایران و جهان را خنثا کنید، و راه تعالی و پیشرفت خود را با انتقال و سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی و تمام نظم موجود دنبال نمایید.

## خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

در تاریخ ۱۳ مهر، سازمان ما با صدور اطلاعیه ای از مبارزات و مطالبات معلمان سراسر کشور حمایت نمود. در این اطلاعیه آمده است که هزاران تن از معلمان سراسر کشور از روز ۱۲ مهرماه، با اعتضاب، گردهم آیی و تظاهرات، به سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی اعتراض نمودند و خواهان تحقق فوری مطالبات خود شدند.

در اصفهان، معلمان اعتضاب خود را از روز ۱۲ مهرماه آغاز نمودند و در ۱۳ مهرماه دست به راهپیمایی و گردهم آیی در شهر زدند.

در تهران، هزاران تن از معلمان با تجمع در مراکز ادارات آموزش و پرورش خواهان بهبود وضعیت رفاهی معلمان و برقراری عدالت اجتماعی شدند.

معلمان شعار می دادند، «تاخت خود نگیریم، آرام نمی نشینیم» «مسئولین مملکت خود در رفاه و نعمت ما را کنند نصیحت».

پلیس ضد شورش، راهپیمایی معلمان را مورد یورش قرارداد و تعدادی را دستگیر نمود.

در دیگر شهرهای ایران نیز معلمان با اعتضاب و گردهم آیی، بتحقیق مطالبات خود تاکید نمودند. خواست های معلمان، بهبود شرایط مادی و معیشتی، افزایش حقوق و مزايا، استخدام رسمی معلماني که همچنان بالاتکلیف مانده اند، رسیدگی به وضع بازنیستگان، رفع تعییض و دخالت معلمان در مسائل مربوط به آموزش و پرورش و سیاست های آن است.

«اعتضاب کارگران ایران برک»، عنوان اطلاعیه ای است که در تاریخ ۱۴ مهرماه انتشار یافت. در این اطلاعیه گفته شده است که مت天涯ز از ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه ایران برک از روز سه شنبه ۱۲ مهرماه دراعتضاب به سر می برند. بیش از سه ماه است که کارگران این کارخانه نساجی رشت حقوق و مزايا خود را دریافت نکرده اند.

کارگران ایران برک، با این اعتضاب، خواهان پرداخت فوری حقوق و مزايا معوقه خود شدند.

سازمان درین اطلاعیه، حمایت خود را از مبارزات و مطالبات کارگران ایران برک اعلام نموده است.

## اطلاعیه پایانی نشست نیروها و فعالین کمونیست و چپ

سومین اجلاس "نشست مشترک نیروها و فعالین کمونیست و چپ" با حضور نمایندگان و فعالین "حزب کمونیست ایران" "حزب رنجبران ایران" "سازمان اتحاد فدائیان کمونیست" "سازمان فدائیان (اقلیت)" "سازمان فعالین جنبش نوین کمونیست ایران" "هسته اقلیت" و شمار زیادی از فعالین کمونیست در هفته اول اکتبر ۲۰۰۳ کارخود را با یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان سوسیالیسم آزادی آغاز کرد.

ابتدا شورای هماهنگی گزارشی از فعالیت خود را ارائه کرد و سپس اجلاس بالانتخاب یک هیئت رئیسه و تصویب دستورجلسه و آئین نامه کارخود را رسمآغاز نمود.

شرکت کنندگان در این نشست دیدگاه های خود را در مورد موقعیت سیاسی کنونی در ایران، استراتژی و جهت گیری سیاسی، پلاتفرم سیاسی مشترک، ساختار سازمانی، ارزیابی از فعالیت های تاکنونی و دورنمای آتی این جمع، حول گزارش و اسنادی که شورای هماهنگی در این زمینه ها آماده کرده بود، مورد بحث و بررسی قرار دادند.

شرکت کنندگان بر ادامه فعالیت براساس نقاط مشترک تاکید داشته و براین مبنانشست در ادامه کارخود یک پلاتفرم سیاسی را با اکثریت نقاط آراء تصویب و تصمیم گرفت که قطعنامه هایی در زمینه های اوضاع سیاسی ایران، جنبش کارگری و جنبش زنان براساس توافقات مندرج در بیانیه نشست اول صادر نماید. سپس اساسنامه ناظر بر فعالیت ها و مناسبات درونی "اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ" که از این پس نشست مشترک تحت این نام فعالیت خواهد کرد به تصویب رسید.

به علاوه در مورد انتشار یک نشریه سیاسی- خبری تصمیم گیری شد و امکانات تبلیغی دیگر (از جمله رادیوی سراسری رو به ایران، سایت خبری اینترنتی) در نشست مطرح و تصمیم گیری در این مورد به عهده شورای هماهنگی منتخب سپرده شد.

پس از تصویب این اسناد، اجلاس از میان اعضای خود ۹ نفر را به عنوان شورای هماهنگی جدید که عبارت بودند از رفقا: عباس سماکار، نصرت تیمور زاده، فرهاد شعبانی، پروین نیک آئین، محمد سلطانی، بابک رحیمی، بهرام رحمانی، حسین خاورانی و اصلان جواد زاده انتخاب کرد.

اجلاس سوم اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ پس از سه روز کار فشرده در میان احساسات گرم و رفیقانه شرکت کنندگان با اميد به تحقق آرمان های انسانی کارگری با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ (نشست مشترک)

۶ اکتبر ۲۰۰۳

کمک های مالی رسیده

کانادا - ونکوور

مهران بندر ۲۵ دلار

خسرو ۲۵ دلار

انتشار کتاب ۴۵۰ دلار



آینده "اتحاد انقلابی" وظیفه هماهنگی واحداها و فعالان را انجام دهد. و "اتحاد انقلابی" را از نظرسیاسی نمایندگی کند. اجلس در میان شور و شوق رفقای حاضر با سرود انترناسیونال به کارخود پایان داد. بهاین ترتیب پس ازدوسال و نیم، "نشست مشترک نیروها و فعالان چپ و کمونیست" پایی به مرحله دیگری گذاشت. "اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران" که در درون اجلس سوم متولد شد، با پشت سر گذاشتن مرحله بحث‌های درونی و تنظیم استناد پایه‌ای، می‌رود تا حیات سیاسی فعال خود را آغاز کند. سطح توافقات تاکنونی نیروهای متشکل در "اتحاد انقلابی" صرف‌آمنیای برای آغاز راهنمای شرکت ما در مبارزه مشترک و دخیل شدن در مسائل جاری جنبش طبقه کارگر و سایر جنبش‌های اعتراضی و انقلابی اختلافات واشتراکات را صیقل می‌دهد و بایدامید وار بود که پیوند با مبارزه طبقه کارگر، پیوند میان نیروهای متشکل در "اتحاد انقلابی" را نیز استحکام بخشد.

تولد "اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران" حاصل درک ضرورت رفع پراکندگی چپ رادیکال جهت تاثیرگذاری بر مبارزات طبقه کارگر و حاصل تلاش برای موثرتر کردن حضور چپ است. این حرکت را باید ارج نهاد و برای موفقیت آن تلاش کرد.

#### صفحه ۷

### جنبش توده‌ای علیه ...

و دخالت مستقیم آمریکا که با کمک های چند میلیون دلاری به دولت بولیوی یاری می‌رساند، مواجه است امامبارزات همچنان ادامه دارند. روز ۱۱ اکتبر نیروهای پلیس از سلاح های جنگی استفاده کردند تا تظاهرات مردم شهر ال آنتو (در نزدیکی لایپز) را به خاک و خون بکشند. تعداد زیادی توب و تانک به خیابان ها آوردند شدند. در شب همان روز رادیو دولتی به مرگ یک کودک و یک مرد جوان اعتراض کرد، اما قطعاً تعداد کشته ها و زخمی ها بسیار بیشتر است. سانچز دلازادا در همین روز به هذیان گویی های سیاسی خود ادامه داد و مورالس رابه " برنامه ریزی برای یک کودتا" متمهم کرد. اتحادیه کارگران بولیوی در روز ۱۱ اکتبر مردم رابه مقاومت مدنی دعوت نمود.

در لحظاتی که این سطور به پایان می رسد، مبارزات گسترده توده‌ای در بولیوی علیه سرمایه داری، علیه تاراج منابع گاز این کشور و علیه تشکیل ALCA، بازار مشترکی که از شمالی ترین تا جنوبی ترین نقطه قاره آمریکا، امتداد می‌یابد، ادامه دارد.

### برگزاری اجلس سوم (نشست مشترک) و ...

کمیسیونی راموظف کرد پیشنهادات اصلاحی ارائه شده در اجلس را در آئین نامه وارد کند و فرمول بندی معینی را نیز برای چگونگی عضویت تنظیم نماید. سپس قطعنامه سیاسی مصوب شورای هماهنگی در دستور کار جلسه قرار گرفت. یک دوره بحث حول قطعنامه صورت گرفت. کلیت آن با اکثریت بیش از ۹۵ درصد به تصویب رسید. اجلس، شورای هماهنگی بعدی را موظف ساخت اصلاحات پیشنهادی در قطعنامه سیاسی را انجام دهد و آن را منتشر سازد. همچنین اجلس تهیه یک قطعنامه در رابطه با جنبش کارگری، قطعنامه ای در رابطه با مسئله زنان، و پیام هایی به کارگران، دانشجویان، زنان و زندانیان سیاسی را به شورای هماهنگی بعدی محول کرد.

روز سوم پلاتفرم تنظیم شده توسط کمیسیون منتخب اجلس، قرائت و به بحث گذاشته شد.

این پلاتفرم در اساس میانگینی از پلاتفرم‌ها و نظرات ارائه شده بود. ما نیز به رغم تباوی که این پلاتفرم دارد آن را پذیرفتیم. کلیت پلاتفرم با بیش از ۹۰ درصد آراء به تصویب اجلس رسید. اجلس، کار وارد کردن پیشنهادات و اصلاحات در پلاتفرم را به شورای هماهنگی محول کرد. سپس اجلس سیاسی آئین نامه در دستور کار قرار گرفت. کمیسیون مربوطه گزارشی از کارش به جلسه ارائه داد و مواد اصلاح شده را قرائت کرد. مجدها بر سر چگونگی عضویت در اتحاد، فردی یا سازمانی بحث صورت گرفت. در نهایت اجلس تصمیم گرفت عضویت فردی را مبنی قرار دهد. سازمان های سیاسی هیئت‌های نمایندگی به اجلس می‌فرستند، اما این هیئت‌ها از حق ویژه برخوردار نیستند.

مسئله بعدی، تعیین نام بود. نام های پیشنهادی طرح شدند و در نهایت اجلس نام "اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست" از این نامه برگزید. مقرر شد برای مدتی، کلمه "نشست مشترک" در پرانتز به آن اضافه شود.

مرحله بعدی عضوگیری بود. فرم های عضویت در اختیار رفقای حاضر در اجلس قرار گرفتند و عضوگیری از فعالیتی که در اجلس حضور داشتند، انجام شد. همچنین اجلس، مسئله انتشاریک نشیره سیاسی را به بحث گذاشت. انتشار نشیره سیاسی و پخش برنامه رادیویی برای ایران به تصویب رسید و اجرای آن به شورای هماهنگی منتخب اجلس واگذار شد. آخرین مرحله کار اجلس، انتخاب شورای هماهنگی بود که تا مجمع عمومی آئین نامه صورت گرفت، هیئت رئیسه

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،  
نامه های خود را در دو نسخه جدا کانه  
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از  
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان  
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K . A . R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

Kar  
Postfach 260  
1071 , Wien  
Austria

I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

M . A . M  
Postbox 1144  
75141 Uppsala  
Sweden

Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

A . A . A  
MBE 265  
23 , Rue L ecourse  
75015 Paris  
France

K.Z  
P.O.BOX 2488  
Vancouver B.C  
V6B 3W7  
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی  
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد موردنظر به  
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

### شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۲۲

## برگزاری اجلاس سوم ("نشست مشترک")

و

## ولد ("اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران")

شده‌اند و دراجلاس بهبود و تصمیم‌گیری  
گذاشته خواهند شد.  
سپس اجلاس هیئت رئیسه ۵ نفره ای را  
برای اداره جلسه انتخاب کرد.  
مبحث بعدی مسئله زنان بود. طبق برنامه  
ریزی شورای هماهنگی، ساعاتی از اجلاس  
به بحث حول مسئله زنان اختصاص یافت.  
در این قسمت، ابتدا یکی از رفقاء  
زن فعال "نشست مشترک" بحثی مقدماتی  
در رابطه با مسئله زنان، ارائه داد. سپس  
در وقت باقی مانده تعداد دیگری از رفقاء  
نظرات خود را در رابطه با مسئله زنان  
طرح کردند.

اولین دستور کار روز دوم اجلاس، تصویب  
آنین نامه جلسه بود. شورای هماهنگی  
آنین نامه‌ای برای جلسه تهیه کرده بود و  
به عنوان آنین نامه پیشنهادی به اجلاس  
ارائه داد. براساس این آنین نامه اسنادی  
که هویت سیاسی این اتحاد را تبیین می  
کند، و به طور ویژه پلاتفرم، در صورتی  
متصوب محسوب می‌شوند، که با دو سوم آراء  
به تصویب برسند. همچنین در این آنین نامه  
تاكید شده بود تنها اسنادی در دستور کار  
نشست قرار خواهند گرفت که قبل از اجلاس  
بحث و تبادل نظر در اختیار فعالان نشست  
قرار گرفته و در بیان این نامه با  
باشندو اسنادی که فی الدهاهه به اجلاس  
ارائه شوند، از دستور کار خارج اند.

درباره نحوه تصویب اسناد اساسی از قبیل  
پلاتفرم، نمایندگان حزب کمونیست ایران  
و اتحاد فدائیان کمونیست با ماده آنین نامه  
پیشنهادی شورای هماهنگی مخالفت نمودند  
و بیان کردند که مخالف رای گیری برسر  
پلاتفرم هستند. آنها خواهان این بودند  
که مسئله پلاتفرم نه با رای گیری که با  
توافق حل شود. جلسه کلیت آنین نامه  
پیشنهادی شورای هماهنگی را به تصویب  
رساند و قرار شد بند مربوط به چگونگی  
تصویب پلاتفرم به عنوان یک مورد اختلاف،  
با زبانهای و پیاز انجام بحث روی پلاتفرم

صفحه ۱۱

است که طبقه کارگر با چهند از سازمان  
یابی و آگاهی طبقاتی در انقلاب پیش رو  
شرکت خواهد کرد.

آن چه اجلاس سوم انجام داد، شمره تلاش  
مشترک نیروهای مشترک در "نشست مشترک"  
طبی بیش از دو سال گذشته است. اجلاس اول  
باتصویب بیانیه‌ای نقاط اشتراک نیروهای  
مشترک را با تاکید بر ضرورت سرنگونی  
جمهوری اسلامی، درهم‌شکستن ماشین دولتی  
بورژوازی و استقرار حکومت کارگری و  
شوراهای کارگران و زحمتکشان بیان کرد.  
این چهار محور متمایز کننده "نشست مشترک"  
از تمام جریانات رفرمیست و میانه باز  
بود. امادرهمان اجلاس تاکید شد برمبنای  
این نقاط اشتراک، نشست می‌باید به یک  
پلاتفرم و اساسنامه دست یابد. سرانجام  
اجلاس سوم با تصویب این اسناد چهره  
مشخص تری به "نشست مشترک" داد و نام  
"اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ  
ایران" را برای اتحاد برگزید.

اجلاس سوم با اعلام یک دقیقه سکوت به  
یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم  
آغاز شد. پس از توضیحات یکی از اعضای  
شورای هماهنگی پیرامون نشست سوم و  
وظایف آن، گزارش شورای هماهنگی قرائت  
شد. در گزارش شورای هماهنگی، ضمن بر  
شمردن رؤوس فعالیتها در فاصله اجلاس  
دوم تا اجلاس سوم، به نقاط ضعف حرکت  
"نشست مشترک" در این دوره از جمله  
ارتباط با واحدها و فعالان نشست و حرکات  
مبازراتی اشاره شده بود. گزارش حاکی  
از این بود که شورای هماهنگی طی یک  
سال و نیم گذشته، تدارک سیاسی اجلاس  
سوم و تنظیم اسناد برای ارائه به این  
اجلاس را در راس وظائف خود قرار داده  
و پس از بررسی نظرات و پیشنهادات  
گرایشات مختلف درون "نشست" یک  
پلاتفرم، یک آنین نامه و یک قطعنامه  
سیاسی تنظیم نموده است. این اسناد در  
بولتن مباحثات شماره های ۷ و ۸ منتشر

|نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaiyan (Minority)

No.415 oct 2003